

تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها (مطالعه موردی: روستاهای بخش ابوزیدآباد - شهرستان کاشان)

محسن شاطریان* - استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه کاشان

محمود گنجی‌پور - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه کاشان

دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۱

پذیرش نهایی: ۱۳۸۹/۱۰/۲۲

چکیده

یکی از اساسی‌ترین اهداف استقرار دولت‌ها فراهم ساختن رفاه و توسعه برای جامعه است. توسعه روستایی از برنامه‌های توسعه هر کشور به‌شمار می‌رود که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌رود. این برنامه‌ها را دولت و کارگزاران آن در مناطق روستایی به اجرا درمی‌آورند. در ایران دولت به‌منظور دستیابی به توسعه روستایی از ابزارهای مختلف استفاده کرده و اقدامات متعددی را به مرحله اجرا درآورده است. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی از مهم‌ترین ابزارهای دولت در این زمینه است. بخشی از پیامدهای سرمایه‌گذاری عمرانی را می‌توان در نظام اجتماعی شاهد بود، که در اینجا محور توانمندسازی در روستاهای بخش ابوزیدآباد مورد توجه قرار گرفته است. طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۴ مبلغ ۷۷۴۱ میلیون ریال در روستاهای ناحیه به صورت نقطه‌ای و معادل ۲۵۸۱۷ میلیون ریال به شکل غیرمستقیم (پهنه‌ای) هزینه شده است. تحقیق حاضر از نوع بنیادی - کاربردی و روش انجام آن توصیفی - تحلیلی است. برای اجرای این تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. حجم نمونه با استفاده از روش کوکران، ۱۸۳ نفر تعیین گردید. تعداد نمونه‌ها براساس سهم جمعیتی در روستا توزیع شد و به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفت. داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS از طریق تعیین ضریب همبستگی کندال b تجزیه و تحلیل شدند. نتیجه مطالعات میدانی نشان می‌دهد که همبستگی و رابطه معناداری میان میزان سرمایه‌گذاری عمرانی و توانمندسازی روستاها وجود ندارد و بعد از گذشت ۳۰ سال از برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب، جامعه روستایی چونان تابعی از تحولاتی پنداشته می‌شود که در سطوح بالاتر رخ می‌دهند. بنابراین هنوز روستاییان نقش تعیین‌کننده‌ای برای خود قایل نیستند و همین امر باعث می‌گردد تا نوسان در سرمایه‌گذاری‌ها، مسائل اجتماعی به‌ویژه توانمندسازی روستاها را چندان متأثر نسازد.

کلیدواژه‌ها: سرمایه‌گذاری عمرانی، توانمندسازی، دولت، تأثیرات اجتماعی، ابوزیدآباد.

طرح موضوع

فرایند توسعه همواره کنش دولت را در بر دارد. در نوشتارهای توسعه کشورهای جهان سوم در مورد اهمیت دولت برای پیشبرد فرایند توسعه توافق کلی وجود دارد و به عنوان یکی از نیروهای تلقی می‌شود که نقش زیادی در فرایندهای تغییر این جوامع، از جمله در زمینه تغییر روستایی ایفا می‌کند (دوفومیه، ۱۳۷۳، ۱۸). از این رو ماهیت دولت‌ها، فلسفه سیاسی و ایدئولوژیکی و ساختار آنها نقش اساسی در فرایند توسعه و از جمله توسعه روستایی دارد (شکوری، ۱۳۸۴، ۵۱).

یکی از اساسی‌ترین اهداف استقرار دولت‌ها فراهم ساختن رفاه و توسعه برای جامعه است. دولت‌ها برای دستیابی به این اهداف از ابزارهای مختلف و متفاوتی استفاده می‌کنند که این موضوع در مورد دولت ایران نیز مصداق دارد.

سیاست‌ها و اقدامات اجرایی دولت عموماً در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برنامه‌ریزی می‌شوند و به اجرا درمی‌آیند. از زمان شکل‌گیری دولت متمرکز در ایران و پس از سال ۱۳۱۶ برنامه‌ریزی به شکل امروزی آغاز گشت و بعد از گذشت ۷۰ سال تاکنون ۱۰ برنامه عمرانی در کشور تهیه شده که ۹ برنامه آن به مرحله اجرا رسیده است. طی سال‌های قبل از انقلاب ۶ برنامه تهیه شد که ۵ برنامه به اجرا درآمد و بعد از پیروزی انقلاب نیز ۴ برنامه تهیه و اجرا شده است. این برنامه‌ها با مشخص ساختن فعالیت‌ها و محورهای اقدامات کلان و خرد، مسیر اقدامات دولت را در عرصه‌های مختلف تعیین می‌کنند. عرصه جامعه روستایی یکی از این عرصه‌های برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد که دولت در این عرصه براساس برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت به اجرای اقدامات در سطوح گوناگون می‌پردازد (سعیدی و دارابی، ۱۳۸۵، ۵۵).

در ایران دولت به‌منظور دستیابی به توسعه روستایی از ابزارهای مختلفی استفاده کرده و اقدامات متعددی را به مرحله اجرا درآورده است. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی از مهم‌ترین ابزارهای دولت در این زمینه به شمار می‌آیند.

هر سرمایه‌گذاری‌ای که در عرصه‌های روستایی صورت می‌گیرد به مثابه متغیر جدیدی است که وارد این عرصه شده است. این متغیر در سیستم سکونتگاه‌های روستایی پیامدهایی را به همراه خواهد داشت. براساس اهداف برنامه‌ها، این پیامدها لزوماً مثبت فرض می‌شوند و یا باید منجر به حل معضلات و تنگناهای موجود در سکونتگاه‌های روستایی و در نهایت بهبود شرایط زیست و رفاه جامعه روستایی و در یک کلام توسعه روستایی گردند.

برطرف نشدن مشکلات روستایی حکایت از آن دارد که مکانیسم‌های عملکرد سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و پیامدهای آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است و بر همین مبنای، به‌رغم تکرار چندین برنامه، توسعه در نواحی روستایی مبتنی بر تعریف برنامه‌ها رخ نداده است. بنابراین ضروری است تأثیرات سرمایه‌گذاری عمرانی در نواحی روستایی بررسی شود و با شناسایی نواقص و نارسایی‌های آنها، تغییراتی در این فرایند ایجاد گردد تا بتوان بسترهای لازم برای توسعه روستایی را فراهم ساخت.

در اینجا این پرسش مطرح بوده است که آیا دولت با توجه به حجم سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاهای بخش ابوزیدآباد، تا چه حد در دستیابی به توسعه روستایی موفق بوده است؟

در این زمینه، هدف اصلی این تحقیق عبارت است از بررسی و تحلیل تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها. نتایج این تحقیق می‌تواند از این رو برای دولت مفید واقع شود که عملکرد خود را بررسی و تحلیل کند و برای آینده تصمیم بگیرد.

مبانی نظری

از قرن ۱۸ نقش دولت بسیار رو به تغییر نهاده است. با توسعه سرمایه‌داری، دولت برخی از کارکردهای اجتماعی و رفاهی اجتماعات محلی و خانواده‌های گسترده را به عهده گرفت و از این رو حوزه اقدامات و فعالیت‌های دولت افزایش یافت. آگاهی رو به رشد به نقش تعلیم و تربیت و خدمات بهداشتی و جریان اطلاعات بازار، دولت را در تنظیم و سپس ایجاد هماهنگی

در این گونه خدمات و فراهم ساختن آنها که امروزه به کالاهای استحقاقی (کالاهای باارزش) موسوم هستند، تشویق کرد (Lea & Choudhuri, 1985, 7).

از دهه ۱۹۷۰ نقش دولت در توسعه به طور جدی مورد تأکید قرار گرفت (کانیرزادایان، ۱۳۸۱، ۷۴). انواع مختلف ساختارهای دولت ظرفیت‌های کنش متفاوتی را پدید می‌آورند و ساختارها خود گستره نقش‌هایی را که دولت می‌تواند ایفا کند مشخص می‌سازند (اوانز پیتز، ۱۳۸۰، ۴۵). با توجه به این تعریف که دولت متشکل است از نهادهایی که از قدرت انحصاری به منظور ایفای نقش اجتماعی مشخص در ناحیه‌ای جغرافیایی شکل می‌گیرد، نقش‌هایی که دولت می‌تواند پذیرا باشد، بسیار متفاوت و متنوع‌اند (متوسلی، ۱۳۷۳، ۱۰۱).

به این ترتیب دولت به ایجاد و تقویت نهادهای عمومی معین و اجرای امور عمومی مشخصی که در انحصار منافع فرد یا گروه خاصی نباشد می‌پردازد (رینولدز، ۱۳۷۳، ۲۸۰). این اندیشه‌ها طی سال‌های مختلف میزان نقش دولت و مداخلات آن در توسعه متفاوت بوده‌اند (Rand A., 2004, 65). با عنایت به مجموعه نقش و عملکرد دولت‌ها در جهان سوم، سه گروه از دولت‌ها را می‌توان تشخیص داد که براساس میزان دخالت‌شان در روند توسعه و دستیابی آنها به توسعه، طبقه‌بندی می‌شوند: الف) دولت‌های توسعه‌گرا؛ ب) دولت‌های مبانی؛ و ج) دولت‌های بی‌تفاوت نسبت به توسعه.

دولت‌های توسعه‌گرا: آن دسته از دولت‌ها را دربر می‌گیرد که سازمان درونی‌شان به دیوان‌سالاری وبری نزدیک است، و شایسته‌سالاری قوی و پاداش‌های شغلی درازمدت باعث ایجاد مسئولیت و حس همبستگی سازمانی می‌شود تا چنین دستگاه‌هایی دارای نوع خاصی از خودگردانی باشند.

دولت‌های بی‌تفاوت نسبت به توسعه: آن دسته از دولت‌ها را دربر می‌گیرد که دولت در عمل توانایی بازداشتن افراد از پیگیری منافع شخصی آنها را ندارند و روابط شخصی تنها و مهم‌ترین منبع همبستگی است. لذا نه تنها جامعه در عمل با حرکت رو به جلو و توسعه مواجه نمی‌شود، بلکه طی این فرایند دچار نوعی عقب‌ماندگی می‌گردد و از توسعه بازمی‌ماند.

دولت‌های میانی: اینها در بین دو طیف پیش‌گفته جای می‌گیرند، بدین ترتیب که دولت به دنبال توسعه جامعه است و در این زمینه اقدامات و تلاش‌های متفاوتی را نیز به عمل می‌آورد؛ اما در مراحل قرار دارد که هنوز نتوانسته است بین سه رکن جامعه - یعنی دولت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی همراه با نهادهای مرتبط با آن - ارتباط بهینه و متناسب را برقرار سازد. بر این اساس تأکید ویژه‌ای بر یکی از بخش‌ها مانند دولت یا بخش خصوصی می‌گردد که دولت را از دستیابی به ترکیب بهینه بازمی‌دارد. لذا تلاش‌هایی برای دستیابی به توسعه صورت می‌پذیرد اما این تلاش‌ها الزاماً پایدار و موفقیت‌آمیز نیستند و اغلب پیامدهایی مقطعی دارند. در این میان کشوری همچون ایران را می‌توان در طیف میانی طبقه‌بندی کرد، چرا که براساس تعریف به عمل آمده دولت براساس برنامه‌های متفاوت خود به دنبال توسعه است (رینولدز، ۱۳۷۳، ۲۸۰). بنابراین نقش و اهمیت دولت در روند توسعه (یا خواه بازدارنده بودن آن) انکارناپذیر است. این نکات را می‌توان در ماهیت دولت‌های کشورهای صادرکننده نفت، که به «دولت‌های رانتیر» (کاتوزیان، ۱۳۶۹، ۲۰۵) یا «نیمه رانتیر» موسوم‌اند (حاجی‌یوسفی، ۱۳۷۷، ۳۳) مشاهده کرد. این دولت‌ها در عین حال که مستقل از جامعه‌اند، در امر توسعه چندان موفق نبوده‌اند (Shakoori, 2004, 55).

به نظر می‌رسد که نقش دولت در ایجاد و زمینه‌سازی توسعه روستایی از هنگام جنگ‌های استقلال امریکا و نوشته‌های آدام اسمیت افزایش یافته است. آدام اسمیت ایجاد امکانات زیربنایی را از مهم‌ترین وظایف دولت می‌دانست (Lead & Choudhuri, 1981, 8).

توسعه روستایی جزئی از برنامه‌های توسعه هر کشور به شمار می‌رود که برای دگرگون‌سازی ساخت اجتماعی - اقتصادی جامعه روستایی به کار می‌رود. این برنامه‌ها را دولت و کارگزاران آن در مناطق روستایی اجرا می‌کنند. این امر در میان کشورهای در حال توسعه که دولت نقش اساسی در تلاش برای تجدید ساختمان جامعه به‌منظور هماهنگی اهداف سیاسی و اقتصادی خاص به عهده دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند (عالی‌پور، ۱۳۷۱؛ پاپلی یزدی، ۱۳۸۱، ۵۳). در این میان دولت به عنوان عامل ترکیب‌کننده و به‌وجود آورنده تعامل نقش

عمده و مؤثری دارد، که دخالت آن دارای اندازه بهینه است و نه کمتر یا بیشتر (میسرا، ۱۳۶۶؛ جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۵۸).

دولت در ایران تلاش دارد تا نهادها را در قالب برنامه تعریف کند و بر این اساس زمینه توسعه روستایی را در کشور فراهم آورد. براساس برنامه سه دسته از هزینه‌هایی که دولت می‌تواند انجام دهد مشخص می‌گردد که عبارت‌اند از: هزینه‌های عمرانی، جاری و عمومی. در این میان هزینه‌های عمرانی در روند توسعه کشور و به‌ویژه توسعه روستایی اهمیت دارند.

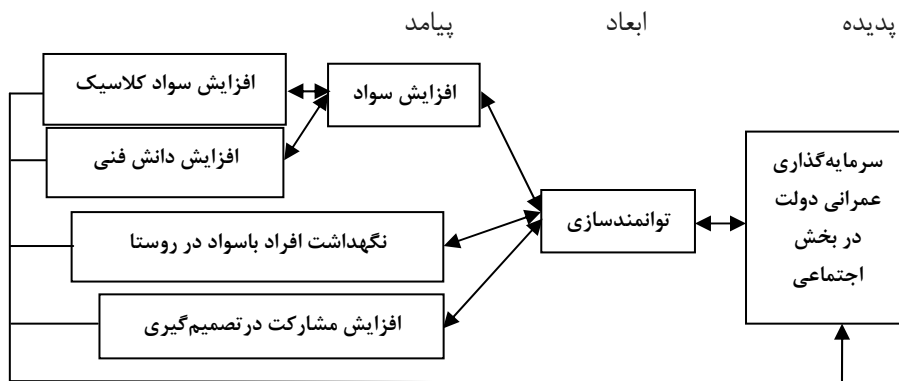
سرمایه‌گذاری‌های عمرانی از مهم‌ترین ابزارهای دولت در زمینه توسعه روستایی به شمار می‌آیند. هدف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بهبود زندگی مردم روستایی است. براساس اهداف برنامه‌های سالانه دولت به هر بخش از فعالیت‌ها، اعتباراتی تخصیص می‌یابد و هزینه می‌شود. اعتبارات عمرانی تخصیص‌یافته به انواع سرمایه‌گذاری‌های عمرانی تبدیل می‌گردد که با هزینه کردن باید دست کم بخشی از مشکلات روستایی کاهش یابد یا از بین برود؛ و از سوی دیگر بسترسازی لازم برای عمران و توسعه روستاها فراهم آید (برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۸۳-۱۳۷۹، جلد اول، ۲۹۳).

بخشی از پیامدهای سرمایه‌گذاری عمرانی را می‌توان در نظام اجتماعی مشاهده کرد. مهم‌ترین محور آن توانمندسازی است که شاخص‌های مختلفی را در بر می‌گیرد. در این مقاله این شاخص‌ها به تفکیک بررسی می‌شوند.

توانمندسازی معادل لاتین Empowerment، به معنای کسب قدرت یا واگذاری و محول کردن انجام کاری خاص به‌منظور هدف مشخص است (Mubashir, 1991, 99). این مفهوم دارای دو محتوای قدرت و نمایندگی انجام کاری است. بنابراین می‌توان توسعه را به نوعی توانایی واقعی مردم در جهت تغییر و به‌منظور دستیابی به زندگی متکامل‌تر با قدرت تعیین سرنوشت تلقی کرد. بر این مبنا توانمندسازی عبارت است از دسترسی به ابزارها و امکاناتی که با استفاده از آنها، افراد بتوانند سرنوشت خود را تعیین کنند و به پیش ببرند (Eklund, 1999, 45). تعاریف و تفسیرهای متفاوتی از توانمندسازی ارائه شده است که بسیاری از آنها با یکدیگر

مشابه‌اند. به عنوان مثال، تعریف تور (۱۹۸۶) از توانمندسازی دقیقاً مانند تعریف راپاپورت است که وی عقیده دارد توانمندسازی به مفهوم فرایندی است که مردم طی آن به قدری توان یافته‌اند که در کنترل و تأثیرگذاری بر رخداد‌های تعیین‌کننده در زندگی‌شان مشارکت کنند (Serayeldin, 1991, 88). بنابراین توانمندسازی عبارت است از کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای تعیین‌کننده حیات خود را به دست می‌آورند (دارابی، ۱۳۸۴، ۱۵).

بدیهی است که آنچه تحت عنوان توانمندسازی در مباحث تئوری مطرح می‌شود با واقعیت‌های جامعه ایرانی تفاوت‌های فاحشی دارد. اگرچه برخی از نکات آنها می‌تواند در خور تأمل باشد. مهم‌ترین محور توانمندسازی کسب قدرت کنترل و تسلط بر نیروهای تأثیرگذار بر حیات انسانی است. این قدرت می‌تواند فردی یا اجتماعی باشد. در روند برنامه‌ریزی روستایی ایران موضوع توانمندسازی می‌تواند به این شکل‌ها مطرح گردد: افزایش دانش و سواد، بقای نیروی باسواد در روستا، افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری.



شکل ۱. ابعاد نقش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در بخش اجتماعی

منبع: دارابی، ۱۳۸۴، ۱۱۵

روش تحقیق

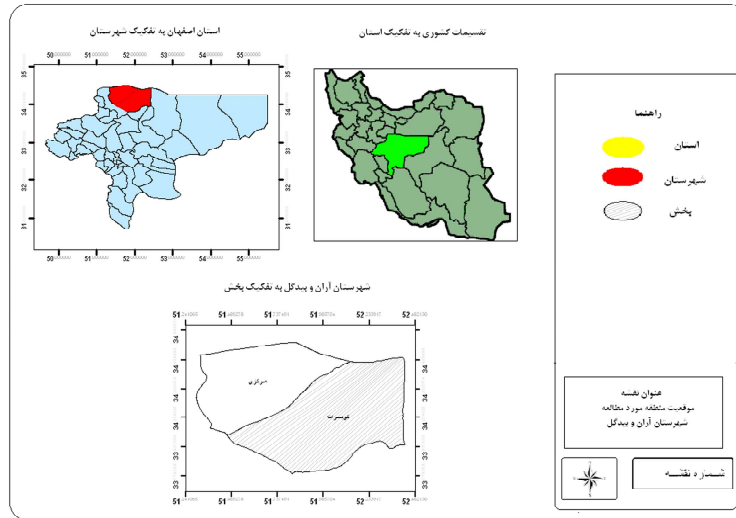
مطالعه حاضر براساس هدف و ماهیت، پژوهش بنیادی - کاربردی است. بنیادی به این دلیل که در این تحقیق تلاش می‌شود تا نظریه‌ای را در یک ناحیه مورد سنجش و ارزیابی قرار دهد؛ و کاربردی از این رو که نتایج این تحقیق می‌تواند در فرایند سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در روستاها ثمربخش باشد. مطالعه موردی این تحقیق با هدف شناخت واقعی عملکرد دولت و تأثیرگذاری قوانین و وظایف آن انتخاب شده است. بدین ترتیب می‌توان با جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مربوط به یک منطقه، نقش و عملکرد دولت را در عمران و توسعه روستایی به طور عینی ملاحظه و تحلیل کرد.

روش انجام تحقیق توصیفی - تحلیلی است. برای اجرای آن از روش‌های کتابخانه‌ای و پیمایشی استفاده شده است. بدین منظور پرسشنامه‌هایی از روستاهای مورد مطالعه تهیه شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل شاخص‌ها نیز از طریق تعیین ضریب همبستگی کندال b بررسی گردید.

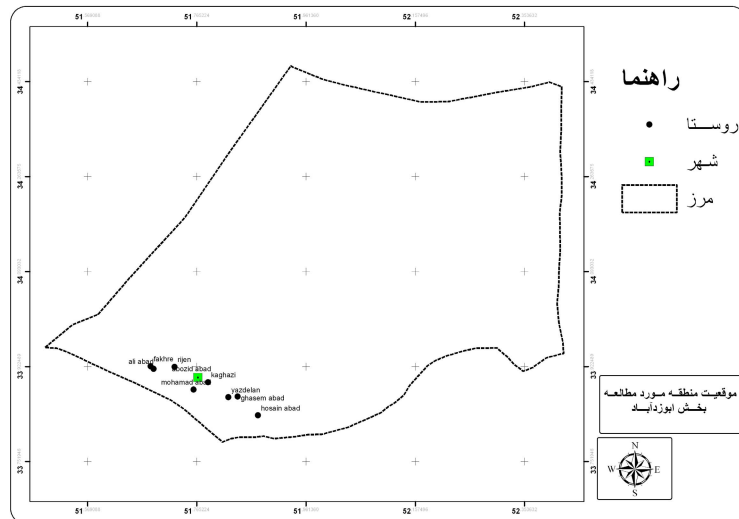
برای تحلیل برخی از شاخص‌ها نیاز است تا اطلاعات لازم از افراد روستایی جمع‌آوری گردد که با توجه به جمعیت بخش ابوزیدآباد اقدام به تعیین حجم نمونه در روستا با استفاده از روش کوکران (حافظنیا، ۱۳۷۵، ۲۰) گردید و با توجه به جمعیت ۸۴۱۰ نفری بخش ابوزیدآباد، حجم نمونه ۱۸۳ نفر تعیین شد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق، نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده است که تعداد نمونه‌ها براساس سهم جمعیتی در روستا توزیع شده و به صورت تصادفی مورد پرسشگری قرار گرفته‌اند.

معرفی ناحیه مورد مطالعه

ابوزیدآباد، از توابع شهرستان آران و بیدگل، در حاشیه جنوب غربی کویر مرکزی واقع شده است. این بخش در مختصات ۵۱ درجه و ۴۰ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۵۲ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۳ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۵۵ دقیقه عرض جغرافیایی است.



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه



شکل ۳. موقعیت جغرافیایی روستاهای بخش ابوزیدآباد

این بخش از شمال به دریاچه نمک و استان سمنان، از غرب به بخش مرکزی آران و بیدگل، از جنوب به نطنز، و از شرق به اردستان محدود می‌شود. ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۹۱۲ متر است (نیک‌اندیش، ۱۳۸۸، ۲۴۴). جمعیت بخش ابوزیدآباد براساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۸۵، معادل ۱۳۵۷۶ نفر و جمعیت روستاهای آن ۷۵۲۶ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵).

سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در بخش ابوزیدآباد

مجموعه اقدامات برنامه‌ها در شکل سرمایه‌گذاری‌های عمرانی باید در عرصه‌های مختلف روستایی تجلی یابد. شواهد و مدارک موجود در زمینه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی حاکی از آن‌اند که طی دوره ۱۳۸۷-۱۳۷۴ مبلغ ۷۷۴۱ میلیون ریال در روستاهای بخش ابوزیدآباد به صورت نقطه‌ای^۱ و مبلغی معادل ۲۵۸۱۷ میلیون ریال نیز به شکل غیرمستقیم (پهنه‌ای) هزینه شده است. سرانه این ارقام برای روستاهای ناحیه به ترتیب برابر با ۵۵۲ و ۱۸۴۴ میلیون ریال است. در همین زمینه میانگین سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی به صورت نقطه‌ای طی این مدت برابر با ۹۶۷ میلیون ریال و میانگین سالانه سرمایه‌گذاری عمرانی به صورت پهنه‌ای طی این مدت برابر ۳۲۲۷ میلیون ریال بوده است.

بررسی وضعیت سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به تفکیک روستاها نیز نشان می‌دهد که در مجموع از کل ۳۳۵۸۸ میلیون ریال، به طور متوسط معادل ۴۱۹۸/۵ میلیون ریال در هر روستا هزینه شده است (جدول ۱).

۱. سرمایه‌گذاری نقطه‌ای، سرمایه‌گذاری‌هایی هستند که در واحد مکانی و آبادی معین به کار گرفته می‌شود، در حالی که در سرمایه‌گذاری‌های پهنه‌ای، مکان و آبادی محل هزینه مشخص نیست.

جدول ۱. میزان سرمایه‌گذاری‌های عمرانی و خدماتی در روستاهای بخش ابوزیدآباد (۸۷-۱۳۷۴)

ردیف	روستا	میزان سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)	ردیف	روستا	میزان سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)
۱	حسین‌آباد	۷۷۰	۵	قاسم‌آباد	۱۶۹۵
۲	ریجن	۱۱۱۹	۶	کاغذی	۱۰۸۲
۳	علی‌آباد	۶۷۲	۷	محمدآباد	۱۷۰۹
۴	فخره	۳۱۷	۸	بزدلان	۳۷۷
				جمع	۷۷۴۱

منبع: مدارک موجود در نهادها و دستگاه‌های اجرایی شهرستان آران و بیدگل^۱

سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در بخش اجتماعی روستاهای بخش ابوزیدآباد

همان‌گونه که از عنوان سرمایه‌گذاری عمرانی برمی‌آید، چنین اقدامی فیزیکی است و بدین ترتیب نمی‌توان انتظار داشت که دارای اشکال اجتماعی باشد و عمدتاً به شکلی هزینه می‌گردد که بازتاب فیزیکی دارد. به عبارتی به دارایی‌های فیزیکی تبدیل می‌شود و لذا در بخش اجتماعی اصولاً این ارقام چندان جایگاهی ندارند. بررسی سرمایه‌گذاری‌های عمرانی این موضوع را اثبات می‌کند و در واقع عملاً در سرمایه‌گذاری‌های ناحیه رقم‌چندانی به فعالیت‌های اجتماعی اختصاص نیافته است.

در صورتی که اقدامات ترویجی به عنوان فعالیت‌های اجتماعی پذیرفته شوند، آن‌گاه رقم محدودی را در میان اعتبارات می‌توان یافت که به فعالیت‌های اجتماعی اختصاص یافته باشد. بررسی میزان سرمایه‌هایی که به فعالیت‌های ترویجی اختصاص یافته‌اند دشوار است، زیرا دسترسی به میزان، محل هزینه و نحوه هزینه این سرمایه، به‌رغم تلاش بسیار، نتیجه‌ای نداشته است. کل رقمی که در زمینه آموزش فنی طی سال‌های ۸۷-۱۳۷۴ در بخش ابوزیدآباد هزینه

۱. فرمانداری، بنیاد مسکن و جهاد کشاورزی شهرستان آران و بیدگل

محسن شاطریان و محمود گنجی پور ————— تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها

شده است، تقریباً معادل ۵۱۵ میلیون ریال است. اگر این هزینه در تمام روستاها به یکسان توزیع شود، آن‌گاه در هر روستا به طور متوسط می‌بایست ۶۴/۳ میلیون ریال هزینه شود (جدول ۲).

جدول ۲. ارقام سرمایه‌گذاری شده در بخش اجتماعی روستاهای بخش ابویزآباد (۸۷-۱۳۷۴)

ردیف	فعالیت	سرمایه‌گذاری (میلیون ریال)	درصد از کل
۱	آموزش توسعه آبی‌پروری	۴	۰/۷۷
۲	آموزش زنان روستایی	۳۴	۶/۶
۳	آموزش فنی و حرفه‌ای روستاییان	۲۹	۵/۶
۴	آموزش و ترویج صنایع دستی	۷۳	۱۴/۴
۵	ترویج مشارکت‌های مردمی	۳	۰/۵۸
۶	ترویج و آموزش	۳۷۲	۷۲/۲
	جمع	۵۱۵	۱۰۰

منبع: مدارک موجود در نهادها و دستگاه‌های اجرایی شهرستان آران و بیدگل

این وضعیت نشان می‌دهد که در برنامه‌های اجرایی موضوعات اجتماعی جایگاهی ندارند و در واقع بازتابی از برداشت توسعه را نمایان می‌سازند؛ به این نحو که با توجه به تعریفی که از توسعه وجود دارد، برنامه و اقدامات لازم برای دستیابی به آن، تعریف می‌شود. در صورتی که توسعه معادل رشد باشد تمامی تلاش‌ها دارای گرایش اقتصادی خواهند بود. حال آنکه در تعاریف ارائه شده از توسعه در برنامه‌های دولتی همه مبتنی بر توسعه چندجانبه متوازن و پایدار است، در صورتی که در عمل گرایش مشهود اقتصادی - خدماتی است لذا تعادلی میان بخشی، در نتیجه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در روستاها وجود ندارد. بخش عمده هزینه در این بخش به صورت هزینه‌های جاری دیده می‌شود که صرف پرداخت حقوق و مزایای افراد فعال در زمینه اجتماعی مانند مروجان می‌گردد و به همین خاطر بازتابی مشهود در زندگی مردم روستایی ناحیه ندارد. این در حالی است که در مبحث توسعه ویژگی‌های اجتماعی دارای نقش اساسی هستند و می‌توانند در روند توسعه تأثیری عمده داشته باشند.

یافته‌های تحقیق

با توجه به اهداف تحقیق، یافته‌های آن به شرح زیر بررسی می‌شود.

تأثیرات اجتماعی سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در روستاهای بخش ابوزیدآباد

بخشی از تأثیرات سرمایه‌گذاری عمرانی را می‌توان در نظام اجتماعی شاهد بود. مهم‌ترین محور نظام اجتماعی، توانمندسازی است. به این منظور محور توانمندسازی مورد توجه قرار می‌گیرد و با توجه به شاخص‌های مذکور تحلیل می‌شود.

توانمندسازی

توانمندسازی عبارت است از کسب قابلیت‌هایی که طی آن فرد و جامعه توانایی کنترل یا تأثیرگذاری بر نیروهای مؤثر تعیین‌کننده، بر حیات خود را می‌یابد (دارابی، ۱۳۸۴، ۲۷۲). با توجه به این تعریف، اقداماتی که می‌تواند منجر به ایجاد چنین شرایطی در روستاها گردد، عبارت‌اند از: الف) افزایش دانش و سواد؛ ب) بقای نیروهای باسواد در روستا؛ ج) افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری.

با توجه به شاخص‌های تدوین شده هر یک از شاخص‌های مذکور به تفکیک مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

نقش سرمایه‌گذاری عمرانی در افزایش دانش و سواد

به نظر می‌رسد که افزایش دانش و آگاهی در ارتقای قدرت کنترل افراد نقش عمده‌ای دارد. افزایش سرمایه‌گذاری عمرانی در روستاها با اشکال مختلف می‌تواند بر این قدرت کنترل تأثیر نهد (دارابی، ۱۳۸۴، ۲۷۲). این امر به دو شکل صورت می‌پذیرد:

الف - افزایش سواد کلاسیک؛ و ب - افزایش دانش فنی.

شیوه سنجش این شاخص‌ها عبارت‌اند از تبیین همبستگی میان آن دو شاخص و حجم

سرمایه‌گذاری عمرانی در روستا. در ناحیه مطالعاتی، بررسی روند تغییر در میزان سواد جمعیت روستایی حاکی از رشد نرخ باسوادی در میان روستاهاست. براساس اطلاعات استخراج شده از سرشماری‌های سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ نرخ باسوادی در روستاهای ناحیه از ۵۰/۹ درصد به ۷۰/۸ و سپس به ۷۱/۳ درصد افزایش یافته است. بیشترین میزان باسوادی به روستاهای بزرگ تعلق دارد که سابقه استقرار مدارس در آنها بیشتر است. همان‌گونه که آمار و اطلاعات مذکور نشان می‌دهد، سطح سواد در ناحیه افزایش یافته است. اما در تحقیق، این پرسش مطرح است که آیا این افزایش در پیوند با سرمایه‌گذاری‌های عمرانی رخ داده است یا نه.

جدول ۳. سطح سواد در بخش ابوزیدآباد در سال ۱۳۸۵

شرح	ابتدایی	راهنمایی	دبیرستان	عالی	جمع
درصد	۵۰	۲۳/۶	۲۰/۸	۵/۵	۱۰۰

منبع: سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵

به‌منظور بررسی این موضوع ارتباط بین سرمایه‌گذاری‌ها با میزان باسوادی مورد بررسی قرار گرفت. براساس همبستگی محاسبه شده بین میزان باسوادی (جدول ۳) و میزان سرمایه‌گذاری عمرانی، میان این دو ارتباطی قوی و جدی وجود ندارد. رقم همبستگی به دست آمده معادل ۰/۳۳۰ است، که ارتباط ضعیف بین این دو را نشان می‌دهد.

یکی دیگر از شاخص‌های مورد بررسی افزایش سطح دانش فنی در بین روستاییان است. فرض بر آن است که با ورود سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به روستاها تعامل مردم با دستگاه‌ها بیشتر می‌شود و این موضوع زمینه‌های آموزش‌های فنی را فراهم می‌سازد. از سوی دیگر بخشی از سرمایه‌های عمرانی به مباحث ترویجی و آموزشی اختصاص دارد. لذا این سرمایه باید به افزایش سطح دانش فنی مردم منجر شود. برای سنجش این موضوع تعداد افرادی که آموزش‌های فنی به آنها ارائه شده است مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند. بررسی تعداد

افرادی که آموزش‌های فنی را طی کرده‌اند نشان می‌دهد که اینها تنها ۴/۶ درصد از کل جمعیت نمونه را تشکیل می‌دهند. جدول ۴ این وضعیت را به خوبی نشان می‌دهد.

جدول ۴. تعداد و نسبت افراد آموزش دیده (فنی) در روستای مورد مطالعه

نام روستا	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه	افراد مورد پرسش	افراد آموزش دیده	
					تعداد	درصد
حسین‌آباد	۴۴۰	۱۶۸۶	۳۹	۱۵۶	۴	۲/۵
ریجن	۱۶۷	۶۱۶	۱۵	۶۰	۵	۸/۳
علی‌آباد	۱۶۱	۶۲۴	۱۶	۶۴	۳	۴/۶
فخره	۱۰۳	۴۴۵	۱۴	۵۶	۲	۳/۵
قاسم‌آباد	۱۴۱	۵۵۴	۱۴	۵۶	۳	۵/۳
کاغذی	۴۰۸	۱۴۹۰	۳۵	۱۴۰	۵	۳/۵
محمدآباد	۴۸۴	۱۸۴۹	۴۳	۱۷۲	۱۰	۵/۸
یزدلان	۶۵	۲۶۲	۷	۲۸	۱	۳/۵
جمع	۱۹۶۹	۷۵۲۶	۱۸۳	۷۳۲	۳۳	۴/۶

بررسی همبستگی میان اعتبارات عمرانی و آموزش‌های فنی در روستاها نشان می‌دهد که اگرچه بین تعداد افراد آموزش‌دیده و سرمایه‌گذاری عمرانی ارتباط وجود دارد، اما این ارتباط ضعیف است و نقش چندانی ندارد؛ به این ترتیب که همبستگی مذکور معادل ۰/۱۷۰ است. بر این اساس، پاسخ این پرسش که سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در روستاهای بخش ابوزیدآباد منجر به افزایش توانمندی‌های مردم روستایی می‌گردد، رد می‌شود و نتیجه آن منفی است. این بدان معناست افزایش یا کاهش سرمایه‌گذاری عمرانی نمی‌تواند منجر به افزایش آموزش‌های فنی شود و از این طریق به شکوفا شدن و افزایش توانمندی‌های مردم روستایی بینجامد. ضمن

اینکه عوامل دیگر در افزایش استقبال مردم از آموزش‌های فنی مؤثر است که نقشی بیش از سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دارند. از جمله این عوامل محدودیت فرصت‌های شغلی در روستاهاست.

ماندگاری نیروهای باسواد در روستا

بهبود شاخص‌های قبلی صرفاً نمی‌تواند مؤید بهبود در وضعیت روستاها باشد، چرا که به نظر می‌رسد با افزایش سطح دانش، افراد تمایل بیشتری به ترک روستاها از خود نشان می‌دهند. بنابراین تأثیرات افزایش سطح دانش و آگاهی می‌تواند به صورت منفی ظاهر شود. برای اثبات یا رد این موضوع شاخص دیگری در توانمندسازی طرح‌شدنی است. این شاخص که به نوعی مکمل شاخص قبلی نیز به شمار می‌آید، عبارت است از میزان نگهداشت افراد باسواد در روستا. براساس این استدلال، باید بین بقای افراد باسواد، با میزان سرمایه‌گذاری عمرانی ارتباط مستقیمی وجود داشته باشد. در غیر این صورت سرمایه‌گذاری انجام شده برای آموزش معنادار نخواهد بود. به‌منظور بررسی این موضوع ابتدا ارتباط بین مهاجرت و سواد مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به نقش سرمایه‌گذاری عمرانی در این زمینه توجه می‌شود.

بررسی وضعیت سواد و مهاجرت نشان می‌دهد که هر چه میزان سواد افزایش می‌یابد، میزان مهاجرت نیز در بین آنها فزونی می‌گیرد. به این ترتیب از مجموع افراد سطوح ابتدایی و راهنمایی ۳۵/۹ درصد آنها اقدام به مهاجرت کرده‌اند. این درصد برای سطح متوسطه به ۳۶/۶ و سطح عالی به ۲۷/۳ درصد افزایش می‌یابد. در سطح عالی وضعیت از این نامطلوب‌تر است (جدول ۵).

جدول ۵. ارتباط بین سواد و مهاجرت در روستاهای بخش ابوزیدآباد در سال ۱۳۸۸

شرح	ابتدایی		راهنمایی		متوسطه		عالی		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
مهاجرت	۲۶	۱۸/۷	۲۴	۱۷/۲	۵۱	۳۶/۶	۳۸	۲۷/۳	۱۳۹	۱۰۰

محاسبه همبستگی میان سطح مدرک تحصیلی و مهاجرت، نشان از همبستگی در حد ۰/۶۰۲ دارد؛ به این ترتیب با افزایش سطح تحصیلات احتمال مهاجرت افراد افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، در بخش مهاجرت همان‌گونه که بررسی گردید، هیچ ارتباطی میان مهاجرت و سرمایه‌گذاری عمرانی وجود ندارد.

از سوی دیگر با توجه به عدم ارتباط سطح سواد با موضوع سرمایه‌گذاری عمرانی عملاً مهاجرت افراد تحصیل‌کرده از روستا متأثر از سرمایه‌گذاری عمرانی و یا فقدان کاهش این سرمایه‌گذاری نیست، بلکه به شدت از عوامل و موضوعات دیگر همانند فرصت‌های شغلی و اشتغال‌زایی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین سرمایه‌گذاری عمرانی نتوانسته است موجب نگهداشت جمعیت باسواد در سطح روستاها گردد و عملاً سرمایه‌گذاری عمرانی به عنوان عاملی خنثی مطرح است.

نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری

افزایش مشارکت و قدرت تصمیم‌گیری نتیجه توانمندسازی است. به این ترتیب فرایند سرمایه‌گذاری در روستا اگر با مشارکت توأم باشد، باید منجر به افزایش امکان مداخله در فرایندهای تصمیم‌گیری تأثیرگذار بر زندگی مردم شود. در ضمن، مردم در فرایند سرمایه‌گذاری‌های عمرانی تجربیات زیادی را اندوخته‌اند و لذا فرآیند مذکور باید تنوع زیادی داشته باشد. با توجه به این پیش‌فرض باید مردم مداخله در فرایندهای تصمیم‌گیری را بپذیرند و به همین نسبت نیز علاقه‌مند به این امر باشند. آنها به هر حال نقش بالقوه‌ای را برای خود در فعالیت‌های متفاوت تعریف کرده و به این باور رسیده‌اند که توان لازم تأثیرگذاری بر فرایندهای تصمیم‌گیری را دارند. بنابراین میزان مداخله آنها در فعالیت‌های مختلف باید فزونی یابد (دارابی، ۱۳۸۴، ۲۸۱).

به‌منظور ارزیابی میزان مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، این موضوع از افراد نمونه پرسش شده است که تاکنون در چه مواردی به صورت گروهی تصمیم‌گیری و سپس براساس آن اقدام

شده است. در این زمینه ۶۳/۴ درصد از افراد پرسش شده، در چنین تصمیم‌گیری‌هایی شرکت داشته‌اند. پرسش درباره ماهیت این تصمیم‌گیری‌ها نشان می‌دهد که عمده‌ترین اقدامات و تصمیم‌گیری‌ها در زمینه فعالیت‌های مذهبی است که بیش از ۴۶/۹ درصد از تصمیمات را به خود اختصاص می‌دهد و علت اصلی آن را می‌توان مذهبی بودن مردم منطقه دانست و فعالیت‌های کشاورزی در رتبه بعدی قرار دارد. بنابراین، مهمترین تجمع‌ها و تصمیم‌گیری‌ها در شیوه بهره‌برداری از آب و مسائل و یا مشکلات مطرح شده ناشی از آن است (جدول ۶).

جدول ۶. ماهیت تصمیم‌گیری‌های جمعی در روستاهای بخش ابوزیدآباد

نام روستا	فعالیت کشاورزی		فعالیت خدماتی		فعالیت فرهنگی		فعالیت زبربنایی		فعالیت گوناگون		کل	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
حسین‌آباد	۴	۱۴/۸	۰	۰	۱۹	۷۰/۳	۰	۰	۴	۱۴/۸	۲۷	۱۰۰
ریجن	۵	۶۲/۵	۰	۰	۲	۲۵	۰	۰	۱	۱۲/۵	۸	۱۰۰
علی‌آباد	۲	۱۶/۵	۰	۰	۱۰	۶۲/۵	۰	۰	۴	۲۵	۱۶	۱۰۰
فخره	۴	۴۴/۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۵	۵۵/۵	۹	۱۰۰
قاسم‌آباد	۲	۲۰	۰	۰	۴	۴۰	۰	۰	۴	۴۰	۱۰	۱۰۰
کاغذی	۸	۴۰	۰	۰	۷	۳۵	۳	۱۵	۲	۱۰	۲۰	۱۰۰
محمدآباد	۱۱	۵۰	۰	۰	۷	۳۱/۸	۰	۰	۴	۱۸/۱	۲۲	۱۰۰
یزدلان	۲	۳۳/۳	۰	۰	۰	۰	۱	۱۶/۶	۳	۵۰	۶	۱۰۰
جمع	۳۸	۲۲/۲	۰	۰	۴۹	۴۶/۹	۱۵	۷/۵	۲۷	۲۲/۲	۱۱۸	۱۰۰

منبع: مطالعات میدانی

به همین ترتیب پرسشی با دیدگاه سرمایه‌گذاری مطرح شده که نتیجه مهمی از آن به دست آمد. در پاسخ به این پرسش که آیا در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشارکت داشته‌اید، ۴۵/۱ درصد اظهار کرده‌اند که مشارکت داشته‌اند و ۵۴/۸ درصد هیچ‌گونه مشارکتی

در این اقدامات نداشته‌اند (جدول ۷). بررسی همبستگی میان افراد حاضر در تصمیم‌گیری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های عمرانی نشان می‌دهد که ارتباط ضعیف و منفی بین این دو وجود دارد (۰/۴۰۴-). این بدان معنی است که به هر میزان سرمایه‌گذاری‌های عمرانی افزایش می‌یابد، از تعداد افرادی که متمایل به مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی هستند، کاسته می‌شود.

جدول ۷. میزان مشارکت مردم در فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

کل		خیر		بلی		نام روستا
درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰۰	۳۹	۵۱/۲	۲۰	۴۸/۷	۱۹	حسین‌آباد
۱۰۰	۱۵	۶۶/۶	۱۰	۳۳/۳	۵	ریجن
۱۰۰	۱۶	۳۷/۵	۶	۶۲/۵	۱۰	علی‌آباد
۱۰۰	۱۴	۴۲/۸	۶	۵۷/۱	۸	فخره
۱۰۰	۱۴	۲۸/۵	۴	۷۱/۴	۱۰	قاسم‌آباد
۱۰۰	۳۵	۶۸/۵	۲۴	۳۱/۴	۱۱	کاغذی
۱۰۰	۴۳	۶۵/۱	۲۸	۳۴/۸	۱۵	محمدآباد
۱۰۰	۷	۲۸/۵	۲	۷۱/۴	۵	یزدلان
۱۰۰	۱۸۳	۵۴/۸	۱۰۰	۴۵/۱	۸۳	جمع

منبع: مطالعات میدانی

نتیجه‌گیری

تحولات اجتماعی می‌تواند از عوامل مختلف تأثیر بپذیرد. از جمله عوامل تأثیرگذار در این زمینه سرمایه‌گذاری عمرانی فرض شده است. لذا به منظور ارزیابی میزان و نقش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت در توانمندسازی از شاخص‌های ذکر شده در جدول ۸ استفاده شد.

جدول ۸. همبستگی میان اعتبارات عمرانی و پیامدهای آن در توانمندسازی روستاهای ابوزیدآباد

شرح	سرمایه گذاری
افزایش سواد کلاسیک	۰/۳۳۰
افزایش دانش فنی	۰/۱۷۰
بقای افراد باسواد در روستا	۰/۶۰۲
افزایش مشارکت در تصمیم‌گیری	-۰/۴۰۴

در هر شاخص، معین گردید که متأسفانه سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در این شاخص‌ها هیچ‌گونه نقش و تأثیری ایفا نمی‌کنند و به دنبال این موضوع بعد از گذشت ۳۰ سال از برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های عمرانی بعد از انقلاب، جامعه روستایی چونان تابعی از تحولاتی پنداشته می‌شود که در سطوح بالاتر رخ می‌دهد. بنابراین هنوز روستاییان نقش تعیین‌کننده‌ای برای خود قائل نیستند. همچنین در روند سرمایه‌گذاری‌های عمرانی به مشارکت به عنوان موضوع جدی نمی‌پردازند، بلکه تفکر این است که سرمایه‌گذاری‌های عمرانی عبارت است از فعالیتی که باید در سقف زمان مشخص در مکانی معین انجام شود و مشارکت به عنوان ابزاری برای تسهیل و تسریع در انجام این فعالیت مورد توجه قرار می‌گیرد. به همین دلیل نیز هیچ نشانی از توانمندسازی در مباحث طرح شده مشاهده نمی‌شود.

مجموعه این شرایط باعث شده است تا سرمایه‌گذاری‌های عمرانی نتوانند در تغییرات اجتماعی نقش بنیادینی داشته باشند و این موجب می‌گردد که نوسان در سرمایه‌گذاری‌ها، مسائل اجتماعی روستاها را چندان متأثر نسازد. سرمایه‌گذاری‌های عمرانی صورت گرفته باید حداقل منجر به ایجاد تعادل، برابری، مشارکت، و بهره‌برداری بهینه از منابع شده باشد. همچنین برنامه‌های توسعه باید انطباق‌پذیر باشند، براساس نیازهای مردم تهیه و اجرا شوند و با نیازهای مردم منطبق باشند؛ که این امر در بخش ابوزیدآباد حاصل نشده است. البته این نکته بدان مفهوم نیست که بهبودی حاصل نشده است، اما این اتفاقات به مفهوم دستیابی

به توسعه نیست. نتایج به دست آمده نیز مطابقتی، با نتایجی که هدف سرمایه‌گذاری‌های عمرانی بوده‌اند ندارند و متأسفانه دستیابی به توسعه با دیدگاه و تفکرات موجود امکان‌پذیر نیست.

منابع

- پاپلی، یزدی، محمدحسن، ابراهیمی، محمدمیر، ۱۳۸۱، نظریه‌های توسعه روستایی، انتشارات سمت، تهران.
- جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی روستایی؛ دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، تهران.
- حاجی یوسفی، امیر احمد، ۱۳۷۷، استقلال نسبی دولت یا جامعه مدنی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره دوم.
- حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۷۵، روش تحقیق در علوم انسانی، سمت، تهران.
- دارابی، حسن، ۱۳۸۴، تبیین پیامدهای فضایی فعالیت‌های عمرانی در پرتو مشارکت مردمی مورد سکونتگاه‌های روستایی ناحیه کاشان، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- دوفومیه، مارک، ۱۳۷۳، سیاست‌های کشاورزی، ترجمه گیلدا ایرانلو، وزارت کشاورزی، تهران.
- رینولدز، جی لویید، ۱۳۷۳، دولت‌ها و رشد اقتصادی، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه غلام‌رضا آزاد ارمکی، نشر میترا.
- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷، مستندات برنامه سوم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- سعیدی، عباس، دارابی، حسن، ۱۳۸۵، نقش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در تثبیت جمعیت روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۸۳، صص ۷۳-۵۳.
- شکوری، علی، ۱۳۸۴، سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، انتشارات سمت، تهران.
- شهرداری آران و بیدگل، ۱۳۸۵، گام اول؛ کارنامه عملکرد شورای اسلامی شهر و شهرداری آران و بیدگل در راستای ترسیم چشم انداز توسعه ۱۳۸۵-۱۳۸۲، انتشارات نگار.

محسن شاطریان و محمود گنجی پور ————— تأثیرات سرمایه‌گذاری‌های عمرانی در توانمندسازی روستاها

عالی‌پور، فرحناز، ۱۳۷۱، توسعه روستایی؛ محورها و لوازم، ماهنامه جهاد، سال دوازدهم، شماره ۱۵۱.
کاتوزیان، همایون، ۱۳۶۹، اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطه تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا
نفیسی، کامبیز پرتوی، نشر مرکز، تهران.

کانیرز، دایان، ۱۳۸۱، رهنمودهایی درباره تحلیل اجتماعی، ترجمه مرتضوی، انتشارات روستا و توسعه،
تهران.

متوسلی، محمود، ۱۳۷۳، خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار و توسعه اقتصادی، مرکز
پژوهش‌های بازرگانی.

مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵، داده‌های جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵.

مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، داده‌های جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۷۵.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، داده‌های جمعیت سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵.

میسرا، آرپی، ۱۳۶۶، توسعه روستایی؛ مسائل و مشکلات، فصلنامه روستا و توسعه، شماره ۱.

Eklund, L., 1999, **Form Citizen Participation to Community Empowerment**,
University of Tampere.

Mubashir, H., 1991, **Empowerment, Democracy, Participation and Development
South Asia**, Journal of SID, No.1, p.99.

Lea, D.A.M. and Chaudhri, D.P., 1983, **Rural Development and the State**,
London, Methuen.

Rand, A., 2004, **The Nature of Government**, Center for Civil Society.

Serayeldin, I., 1991, **Culture, Empowerment and The Development Paradigm**,
Journal of SID, No.1, pp. 87-99.

Shakoori, A., 2004, **Planning and Agricultural Development in Iran**, Critical
Middle Eastern Studies, Vol. 15, No. 3, p. 242.